

مقایسه هوش هیجانی دو گروه مجرد دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران

میناسادات خوانساری* / علی سلیمانی**

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مقایسه هوش هیجانی گروهی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و گروه فاقد این ارتباط، در افراد مجرد (دختر و پسر) ۱۷ - ۳۹ ساله شهر تهران می‌پردازد. برای این پژوهش، که در آن از آزمون هوش هیجانی بار - ان استفاده شده است، تعداد ۱۲۰ نفر از افراد مجرد (۶۰ نفر دختر و ۶۰ نفر پسر) شهر تهران، به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های کمی با استفاده از روش آماری T برای گروه‌های مستقل مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج مهم این پژوهش: حاکی از آن است که بین میانگین نمرات دو گروه (دارای رابطه و بدون رابطه دوستی) در متغیرهای حل مسئله، خود شکوفایی، واقع‌گرایی، خوش‌بینی، عزت‌نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، خود ابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، و در این موارد، تفاوت به نفع گروهی است که با جنس مخالف رابطه ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد.
کلید واژه‌ها: هوش هیجانی و دوستی با جنس مخالف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقاله جامع علوم انسانی

* دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی.

AliSoleimani42@Yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فرهنگ

دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۱۹

مقدمه

عصب‌شناسان، وجود حداقل دو هوش مجزا در انسان را تأیید می‌کنند: هوش شناختی و هوش هیجانی.^۱ «هوش هیجانی» نوعی از باهوش بودن است که شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی است EQ توانایی کنترل حالت‌های اضطراب‌آور و کنترل واکنش‌هاست. به طور کلی، می‌توان گفت: EQ یک مهارت اجتماعی است و شامل همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد می‌باشد.^۲

رویکرد جدید به هوش هیجانی، ریشه در پژوهش‌های مربوط به توانایی‌های انسانی دارد. به دنبال نتیجه‌گیری کرونباچ (۱۹۶۰)، که عقیده داشت هوش هیجانی را نمی‌توان تعریف نمود و اندازه‌گیری هم نشده است، در سال ۱۹۸۰ شکاف‌هایی در تجزیه و تحلیل ماهیت هوش ظاهر گشت. برای مثال، استرنبرگ (۱۹۸۵) تلاش نمود توجه محققان توانایی‌های ذهنی بشر را بیشتر به طرف جنبه‌های خلاق و عملی هوش جلب نماید. گاردنر (۱۹۸۳-۱۹۹۳) حتی هوش درون فرد را معین نمود که مربوط به دستیابی به زندگی احساسی فرد است. ظرفیت نشان دادن احساسات و توانایی تکیه بر آنها، به عنوان وسیله درک و راهنمای رفتار. سپس، در کتاب جنجال‌برانگیز *منحنی نرمال یا زندگی شکل*، هرنستین و موری (۱۹۹۴)، بحث از وراثتی بودن هوش و اینکه تا چه حد هوش تحت تأثیر شرایط اجتماعی می‌باشد را از نو شروع کردند. کتاب *منحنی نرمال* هوش، به جای کسب حمایت در موضوع هوش وراثتی، موجب اعتراض و انگیزه بسیاری از مدرسان، محققان و روزنامه‌نگاران گشت که آیا دیدگاه سنتی در مورد هوش، محدود و یک‌جانبه نبوده است؟ و این مفهوم جدید شکل گرفت که ممکن است راه‌های دیگری برای باهوش بودن و موفقیت در دنیا وجود داشته باشد.^۳

اصطلاح «هوش هیجانی» برای نخستین بار در مجموعه مقالات آموزشی *جان مایر و پیتیر سالوی* (۱۹۹۳-۱۱۹۰) منتشر شد. سپس، با انتشار کتاب *هوش هیجانی: چرا هوش هیجانی مهمتر از هوش عمومی است؟*، اثر گلمن در سال ۱۹۹۵ این اصطلاح، بخشی از زبان روزمره روان‌شناسان گردید. پیش از سال ۱۹۹۵، تنها معدودی از محققان با این اصطلاح آشنا بودند. اما امروزه، این اصطلاحی فراگیر شده است.^۴

مایر و سالوی (۱۹۹۷)، هوش هیجانی را شامل ادراک، ابراز، فهم و کنترل هیجان‌ها در خود و دیگران و بهره‌برداری از هیجان در مسئله‌گشایی می‌دانند. ۱۵ عامل هوش هیجانی را سموعی (۱۳۸۱) به شکل زیر برشمرده است: روابط بین فردی، واقع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خودآگاهی هیجانی، خودابرازی عزت نفس، همدلی، استقلال، خودشکوفایی انعطاف‌پذیری، حل مسئله، خوش‌بینی شادمانی، کنترل تکانش و تحمل فشار روانی. در زمینه تفاوت‌های جنسیتی، هوش هیجانی نظرات مختلفی عنوان شده است برای مثال، سیاروچی (۲۰۰۰) بیان کرده است که در سطح هوش هیجانی دختران نوجوان بهتر از پسران عمل می‌کنند، اما در کنترل هیجان‌ها خود عملکرد بهتری ندارند.

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا افرادی که با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار می‌کنند و در حال حاضر نیز این ارتباطات را دارند، و افرادی که فاقد این ارتباطات می‌باشند، در عوامل هوش هیجانی نظیر توانایی حل مسئله، روابط بین فردی، عزت نفس، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری و... تفاوتی نشان می‌دهند و آیا به راستی ارتباط با جنس مخالف، در قالب دوستی‌های رایج نشان‌دهنده هوش هیجانی بالاتر افراد است و افراد بدون این ارتباطات هوش هیجانی پایین‌ترین دارند؟

در این پژوهش، منظور از «رابطه دوستی»، رابطه‌ای است که دو طرف با میل و رغبت در یکی از مراتب صوتی، تصویری و یا حضوری موافق ارتباط برقرار کردن باشند.^۹

جامعه، نمونه آماری، و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری موردنظر در این پژوهش، کلیه افراد مجرد (دختر و پسر) ۱۷ - ۳۹ سال شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش، بر اساس روش تصادفی، تعداد ۱۲۰ نفر از افراد مجرد ۱۷-۳۹ سال شهر تهران انتخاب شدند. البته ۱۲۰ نفر افراد نمونه برحسب ارتباطات دوستی با جنس مخالف نیز به چهار گروه تقسیم شدند، شامل ۳۰ دختر و ۳۰ پسر بدون ارتباط، و ۳۰ دختر و ۳۰ پسر دارای ارتباط.

نوع پژوهش توصیفی و ابزار مورد استفاده در این مطالعه، شامل پرسش‌نامه هوش هیجانی بار-ان است که توسط افراد ۱۷-۳۹ سال شهر تهران تکمیل گردید. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون، ۰/۹۳ و همچنین پایایی آزمون به روش زوج - فرد ۰/۸۸ گزارش شد که در سطح $p < 0/0001$ معنادار است.

یافته‌ها

با توجه به هدف پژوهش، میانگین دو گروه در هوش هیجانی کلی و ۱۵ عامل آنکه به طور مجزا محاسبه گردیده بود، مورد مقایسه قرار گرفت همچنین هوش هیجانی و عوامل آن در دو گروه دارای رابطه و فاقد رابطه، به تفکیک جنسیت - دختران دارای رابطه با دختران فاقد این روابط و همچنین پسران دارای رابطه با پسران فاقد این روابط - نیز با یکدیگر مقایسه شدند که جداول آن در ذیل ارائه گردیده است:

جدول ۱: مقایسه میانگین‌های هوش هیجانی و عوامل آن در دخترهای دارای رابطه و دخترهای فاقد رابطه

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱	حل مسئله	۲۲.۲۷	۲۴.۱۷	-۲.۳۱۱	۵۸	۰.۰۲۴
۲	خوشبختی	۲۲.۷۷	۲۵.۱۷	-۲.۳۵۸	۵۸	۰.۰۲۲
۳	استقلال	۲۳.۲۷	۲۲.۶۰	۰.۷۸۷	۵۸	۰.۴۳۵
۴	تحمل فشار روانی	۱۸.۸۳	۲۰.۶۷	-۱.۷۳۶	۵۸	۰.۰۸۸
۵	خودشکوفایی	۲۲.۷۳	۲۵.۲۰	-۲.۷۰۳	۵۸	۰.۰۰۹
۶	واقع‌گرایی	۱۹.۳۷	۲۰.۹۷	-۱.۹۳۶	۵۸	۰.۰۵۸
۷	روابط بین فردی	۲۳.۸۳	۲۴.۵۷	-۰.۸۰۲	۵۸	۰.۴۲۶
۸	خوش‌بینی	۲۲.۲۳	۲۴.۷۳	-۳.۰۶۹	۵۸	۰.۰۰۳
۹	عزت نفس	۲۲.۵۰	۲۵.۳۷	-۳.۱۱۶	۵۸	۰.۰۰۳
۱۰	کنترل تکانش	۱۶.۰۷	۲۰.۱۳	-۳.۷۱	۵۸	۰.۰۰۳
۱۱	انعطاف‌پذیری	۱۹.۳۷	۲۳.۹۰	-۴.۱۶۳	۵۸	۰.۰۰۰
۱۲	مسئولیت‌پذیری	۲۴.۴۰	۲۶.۲۰	-۲.۳۲۴	۵۸	۰.۰۲۴
۱۳	همدلی	۲۵.۳۷	۲۶.۳۳	-۱.۳۲۷	۵۸	۰.۱۹۰
۱۴	خودابرازی	۱۹.۳۰	۲۰.۶۰	-۱.۲۵۰	۵۸	۰.۲۱۶
۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۰.۸۰۰	۲۳.۸۰	-۲.۱۴۹	۵۸	۰.۰۳۶
۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۴.۱۷	۳۵۱.۸۳	-۳.۱۱۶	۵۸	۰.۰۰۳

جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که بین میانگین دخترهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و دخترهایی که این رابطه را ندارند، در متغیرهای حل مسئله خوشبختی، خودشکوفایی، خوش‌بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، خودآگاهی هیجانی و هوش هیجانی کلی تفاوت وجود دارد. در تمامی این موارد، تفاوت به نفع دخترهای بدون رابطه است. در سایر متغیرها، تفاوتی بین دو گروه مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین‌های هوش هیجانی و متغیرهای آن در پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند.

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه پسرهای دارای رابطه	میانگین گروه پسرهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	حل مسئله	۲۲.۷۰	۲۳.۱۰	-۰.۴۷۰	۵۸	۰.۶۴۰
۲	خوشبختی	۲۳.۳۰	۲۳.۵۷	-۰.۲۵۹	۵۸	۰.۷۹۶
۳	استقلال	۲۲.۰۷	۲۳.۱۳	-۰.۰۱۲	۵۸	۰.۳۱۶
۴	تحمل فشار روانی	۲۰.۵۷	۲۱.۲۳	-۰.۵۹۸	۵۸	۰.۵۵۲
۵	خودشکوفایی	۲۱.۹۰	۲۳.۷۴	-۱.۷۲۷	۵۸	۰.۰۹۰
۶	واقع گرایی	۱۸.۴۰	۱۹.۵۷	-۱.۲۱۹	۵۸	۰.۲۲۸
۷	روابط بین فردی	۲۳.۱۰	۲۳.۵۳	-۰.۳۸۰	۵۸	۰.۷۰۶
۸	خوش بینی	۲۳.۰۰	۲۴.۱۷	-۱.۳۰۴	۵۸	۰.۱۹۷
۹	عزت نفس	۲۲.۰۷	۲۳.۶۰	-۱.۶۲۲	۵۸	۰.۱۱۰
۱۰	کنترل تکانش	۱۷.۴۳	۱۸.۴۰	-۰.۷۳۸	۵۸	۰.۴۶۳
۱۱	انعطاف پذیری	۲۰.۰۰	۱۹.۴۷	۰.۴۴۳	۵۸	۰.۶۶۰
۱۲	مسئولیت پذیری	۲۳.۲۰	۲۳.۸۳	-۰.۶۵۲	۵۸	۰.۵۱۷
۱۳	همدلی	۲۳.۷۳	۲۴.۵۷	-۰.۸۶۵	۵۸	۰.۳۹۱
۱۴	خودابرازی	۱۹.۰۰	۲۱.۰۰	-۲.۰۲۶	۵۸	۰.۰۴۷
۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۱.۲۳	۲۱.۰۷	۰.۱۶۴	۵۸	۰.۸۷۰
۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۲.۳۰	۳۳۳.۷۰	-۱.۱۰۶	۵۸	۰.۲۷۳

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین میانگین پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند، تنها در متغیر «خود ابرازی» تفاوت وجود دارد. این تفاوت به نفع پسرهای بدون رابطه است. در سایر متغیرها، بین دو گروه تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین هوش هیجانی و متغیرهای آن در گروه‌های دارای رابطه و گروه‌های بدون رابطه با جنس مخالف

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	حل مسئله	۲۲.۴۸	۲۳.۶۳	-۱.۹۴۴	۱۱۸	۰.۰۵۴
۲	خوشبختی	۲۳.۰۳	۲۴.۳۷	-۱.۸۳۷	۱۱۸	۰.۰۶۹
۳	استقلال	۲۲.۶۷	۲۲.۸۷	-۰.۲۹۶	۱۱۸	۰.۷۶۸
۴	تحمل فشار روانی	۱۹.۷۰	۲۰.۹۵	-۱.۶۲۲	۱۱۸	۰.۱۰۸
۵	خودشکوفایی	۲۲.۳۲	۲۴.۳۳	-۳.۱۰۲	۱۱۸	۰.۰۰۲
۶	واقع گرایی	۱۸.۸۸	۲۰.۲۷	-۲.۱۷۴	۱۱۸	۰.۰۳۲
۷	روابط بین فردی	۲۳.۴۷	۲۴.۰۵	-۰.۷۹۹	۱۱۸	۰.۴۲۶
۸	خوش بینی	۲۲.۶۲	۲۴.۴۵	-۳.۰۴۱	۱۱۸	۰.۰۰۳
۹	عزت نفس	۲۲.۲۸	۲۴.۴۸	-۳.۳۱۱	۱۱۸	۰.۰۰۱

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱۰	کنترل تکانش	۱۶.۷۵	۱۹.۲۷	-۲.۶۹۳	۱۱۸	۰.۰۰۸
۱۱	انعطاف‌پذیری	۱۹.۶۸	۲۱.۶۸	-۲.۳۳۶	۱۱۸	۰.۰۲۱
۱۲	مسئولیت‌پذیری	۲۳.۸۰	۲۵.۰۲	-۱.۹۰۲	۱۱۸	۰.۰۶۰
۱۳	همدلی	۲۴.۵۵	۲۵.۴۵	-۱.۴۵۴	۱۱۸	۰.۱۴۹
۱۴	خودابرازی	۱۹.۱۵	۲۰.۸۰	-۲.۳۱۸	۱۱۸	۰.۰۲۲
۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۱.۵۲	۲۲.۴۳	-۱.۲۹۹	۱۱۸	۰.۱۹۷
۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۳.۲۳	۳۴۲.۷۷	-۲.۸۵۳	۱۱۸	۰.۰۰۵

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بین میانگین‌های دو گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه، در متغیرهای حل مسئله، خودشکوفایی، واقع‌گرایی، خوش‌بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، خودابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت وجود دارد. در همه موارد، تفاوت به نفع گروهی است که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی بین دو گروه مشاهده نمی‌شود. همچنین/استین (معادل لاتین) اظهار داشته که زنان و مردان، به لحاظ هوش هیجانی کلی از توان برابری برخوردارند، اما در زمینه‌های مختلف از توانایی‌های مختلفی برخوردار هستند.

نگاهی به تعاریف متعدد هوش هیجانی دو خط نظری کلی را در این زمینه نشان می‌دهد: یکی، دیدگاه اولیه هوش هیجانی است که آن را به عنوان نوعی هوش تعریف می‌کند که شامل هیجان و عاطفه است. دوم، دیدگاه مختلط که هوش هیجانی را با سایر توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی نظیر انگیزش ترکیب می‌کند.^۶

مایر، سالوی و کارسیو (۱۹۹۷)، الگوی اصلاح‌شده‌ای از هوش هیجانی تدوین کرده‌اند (EI) که بر مؤلفه‌های شناختی رشد هوشمندانه و هیجانی تأکید بیشتری دارد. این الگو، هوش هیجانی را به صورت عملیاتی در دو سیستم شناختی و هیجانی بررسی می‌کند.^۷ الگوی مختلط شامل طیف وسیعی از متغیرهای شخصیتی است که مخالف با الگوی توانایی مایر و سالوی می‌باشد و کاملاً الگویی شناختی است.

قریب یک قرن از مطالعات پیرامون هوش‌شناختی می‌گذرد، ولی هوش هیجانی مقوله‌ای تازه است که محققان بسیاری به کاربرد آن در امور مختلف علاقه‌مند هستند. برای مثال، به بررسی مفهوم «هوش هیجانی» در توانایی مدیریت، در تجارت، رهبری و سازمان‌دهی رفتار خود کوپر و ساواف، ۱۹۹۷، سیمونز و سیمونز، ۱۹۹۷، آبراهام، ۱۹۹۷،

موراند، ۲۰۰۰ در محیط‌های حرفه‌ای و شغلی، وسینگر، ۱۹۹۷ در آموزش و پرورش، به منظور پیشرفت تحصیلی، سالوی و اسلویتز، ۱۹۹۷، گرینسپن، ۱۹۸۹، استون، مکن نون و مک کورمیک، ۱۹۹۹ به نقل از چرنیست و گلن، ۲۰۰۰ در توانایی پیشبرد خودگردانی و خودشکوفایی اپستاین، ۱۹۹۸، استیل و پری، ۱۹۹۷، رابک، ۱۹۹۷ در الگوی فرزندپروری پایپر، ۱۹۹۷، مایرز، ۱۹۹۷، تیلور و پارکر ۱۹۹۹ در روان‌درمانی فردی کرینسپن، ۱۹۹۷؛ سگال، ۱۹۹۷؛ پاین، ۱۹۸۶؛ تیلور، ۱۹۹۰ به تحقیق پرداختند که همگی نشان‌دهنده تأثیر هوش هیجانی بر جنبه‌های مختلف زندگی است.

بدین ترتیب، مهارت‌های عاطفی شامل خودآگاهی، تشخیص، بیان و کنترل احساسات، کنترل امیال و هوس‌های آنی و به تأخیر انداختن خشنودی و رضایت‌خاطر و همچنین از عهده استرس‌ها و نگرانی‌های زندگی بر آمدن است.

در این پژوهش، در بررسی سه فرضیه نتایج به دست آید: در مقایسه هوش هیجانی و متغیرهای آن بین دختران دارای رابطه و بدون رابطه تفات‌های زیادی بین دو گروه به چشم خورد: دختران که با جنس مخالف ارتباطات دوستی برقرار نکرده بودند، یعنی دختران بدون رابطه، در متغیرهایی چون حل مسئله، خوشبختی، خودشکوفایی، خوش‌بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، خودآگاهی هیجانی و هوش هیجانی کلی، توانایی بالاتری نسبت به دخترهای دارای رابطه نشان دادند و نمرات بالاتری کسب کردند. به عبارت دیگر، دخترانی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، نسبت به دخترهایی که دارای رابطه دوستی هستند:

۱. توانایی بالاتری نسبت به تشخیص مشکلات و ارائه راه‌حل‌های مفید برای حل آن و همچنین تحقق بخشیدن به راه‌حل‌های خویش دارند (حل مسئله).
۲. دارای احساس خوشبختی بیشتری هستند. توانایی بیشتری در لذت بردن از خود و دیگران دارند. شوخ‌طبع‌تر هستند و احساسات مثبت بیشتری دارند (خوشبختی).
۳. توانایی درک ظرفیت‌های بالقوه خویش را بیشتر دارند و برای رسیدن به آنها بیشتر تلاش می‌کنند (خودشکوفایی).
۴. توانایی نگاه کردن ریزبینانه به زندگی و تقویت نگرش‌های مثبت خویش را حتی در بروز مشکلات و سختی‌ها بیشتر دارا هستند. (خوش‌بینی).

۵. دارای توانایی پذیرفتن خود و احترام به خود بیشتر هستند و اعتماد به نفس بالاتری دارند (عزت نفس).

۶. دارای توانایی مقاومت در برابر یک انگیزه و کاهش دادن آن را بیشتر هستند و هیجانات خود را راحت‌تر و بیشتر در کنترل دارند (کنترل تکانش).

۷. توانایی سازگاری با تغییرات و موقعیت‌های متفاوت را بیشتر دارا هستند (انعطاف‌پذیری).

۸. توانایی ظاهر ساختن خود به عنوان یک عضو مؤثر و سازنده و دارای حس همکاری در گروه را بیشتر دارا هستند (مسئولیت‌پذیری اجتماعی).

۹. از احساسات خود آگاه‌تر هستند (خودآگاهی هیجانی).

۱۰. در مجموع، حالت‌های اضطراب‌آور و واکنش‌های خود را راحت‌تر و بیشتر کنترل می‌کنند. احساسات خود را برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی بیشتر درک می‌کنند. پراکنج‌تر هستند. به کار و اهداف خود امیدوارتر هستند. به طور کلی، مهارت اجتماعی همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد را بیشتر دارا می‌باشند (هوش هیجانی کلی).

در متغیرهایی نظیر میزان استقلال، میزان تحمل فشار روانی، واقع‌گرایی، توانایی ایجاد و حفظ رابطه با دیگران، میزان همدلی کردن با دیگران و خواب‌رازی تفاوتی بین دو گروه دیده نشد. در هیچ‌یک از متغیرها، دختران دارای رابطه، نسبت به دختران بدون رابطه برتری نشان ندادند.

در مقایسه، هوش هیجانی و متغیرهای آن، بین پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند، تنها تفاوت حاصله در متغیر خودابرازی بود. بدین معنا که پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، توانایی ابراز احساسات، باورها و افکار صریح خود را بیشتر از پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند، دارا می‌باشند. این گروه بیشتر می‌توانند از مهارت‌های سازنده و به حق خود دفاع کنند. در سایر متغیرهای و همچنین در نمره کلی هوش هیجانی، تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشد. این بدین معناست که در متغیرهای آگاهی از هیجانات، عزت نفس، خودشکوفایی، میزان استقلال، میزان همدلی کردن با دیگران، میزان مسئولیت‌پذیری

اجتماعی، توانایی ایجاد و حفظ رابطه با دیگران واقع بین بودن، میزان انعطاف پذیری، میزان توانایی حل مسئله، میزان تحمل فشار روانی، کنترل و کاهش انگیزه‌ها، میزان خوش بینی و در آخر احساس خوشبختی کردن، بین پسران با ارتباط و پسرهای بدون ارتباط تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، ارتباط پسران با جنس مخالف در قالب دوستی‌های امروزی نشان‌دهنده توانایی بالای آنها برای رابطه برقرار کردن، استقلال بیشتر، اعتماد به نفس بیشتر، واقع گرایی و... نیست. نمی‌توان ادعا کرد که افراد بدون ارتباط، دارای توانایی کمتری در برقراری ارتباط، در بودن و همکاری کردن با دیگران، در به کار بردن احساسات در روابط با دیگران و... هستند.

در مقایسه، هوش هیجانی کلی و عوامل آن بین تمامی افراد گروه نمونه، اعم از دختر و پسر، نیز نتایج زیر حاصل شد:

۱. توانایی تشخیص و تعریف مشکلات، ارائه راه‌حل‌های مؤثر و مفید، تحقق بخشیدن و اعمال آنها به شیوه صحیح در افرادی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، بیش از افرادی است که دارای این ارتباطات می‌باشند (حل مسئله).
۲. افراد بدون ارتباط نسبت به افراد دارای رابطه توانایی درک ظرفیت‌های بالقوه خود را بیشتر دارا هستند و تلاش بیشتری برای بالفعل کردن آنها انجام می‌دهند (خودشکوفایی).
۳. توانایی سنجیدن هماهنگی بین آنچه به طور هیجانی تجربه شده، و آنچه که به طور واقعی وجود دارد، در افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای رابطه، بیشتر است (واقع گرایی).
۴. افراد فاقد رابطه نسبت به افراد دارای ارتباط به زندگی خوشبینانه‌تر نگاه می‌کنند. بیش از آنها نگرش‌های مثبت خود را حتی در زمان روبه‌رو شدن با مشکلات و سختی‌ها حفظ و تقویت می‌کنند (خوش بینی).
۵. افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای ارتباط احترام بیشتر برای خود قائل هستند و اعتماد به نفس بالاتری دارند (عزت نفس).
۶. افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای ارتباط هیجان‌ات خود را بهتر و بیشتر در کنترل دارند. همچنین توانایی مقاومت بیشتری در برابر انگیزه‌ها و تمایلات خود دارا هستند (کنترل تکانش).

۷. توانایی سازگاری با شرایط متفاوت و تغییرات نیز در گروه فاقد ارتباط، بیش از افراد دارای ارتباط مشاهده شد (انعطاف‌پذیری).
۸. افراد بدون ارتباط توان ابراز احساسات، باورها و افکار صریح خود را بیشتر از افراد دارای رابطه هستند و بیشتر می‌توانند از مهارت‌های سازنده و بر حق خود دفاع کنند (خودابرازی).
۹. هوش هیجانی کلی، شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی توانایی کنترل حالت‌های اضطراب‌آور و کنترل واکنش‌های پراکنجه و امیدوار بودن به کار و رسیدن به اهداف، توان همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد نیز در صورت معنی‌داری به نفع افراد بدون ارتباط درآمد.
۱۰. توانایی آگاه بودن و فهم احساسات خود نیز بین دو گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه تفاوتی را نشان نداد (خودآگاهی هیجانی).
۱۱. توانایی احساس خوشبختی و لذت بردن از خود، داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ‌طبعی در بین گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه، تفاوتی را نشان نداد (خوشبختی).
۱۲. توانایی هدایت افکار و اعمال خویش و آزاد بودن از تمایلات هیجانی، در بین گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه تفاوتی را نشان نداد (استقلال).
۱۳. توانایی مقاومت در برابر رویدادها، موقعیت‌های فشارآور و هیجانانگیز، بدون جازدن و به عبارت دیگر، توان رویارویی فعال و مثبت با فشارهای محیط در بین دو گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه تفاوتی را نشان نداد (تحمل فشار روانی).
۱۴. توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت‌بخش متقابل، که به وسیله نزدیکی عاطفی، صمیمیت، محبت کردن و محبت گرفتن صورت می‌گیرد نیز بین گروه رابطه‌دار و بی‌رابطه تفاوتی را نشان نداد (روابط بین فردی).
۱۵. توان ظاهر ساختن خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، مؤثر و سازنده در گروه نیز بین افراد بی‌رابطه و رابطه‌دار تفاوتی را نشان نداد (مسئولیت‌پذیری).
۱۶. توانایی آگاه بودن و درک احساسات دیگران و ارزش دادن به آنها بین دو گروه تفاوتی را نشان نداد (همدلی).

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش دو زاویه دید متفاوت و دلیل احتمالی برای این یافته‌ها متصور می‌گردد:

اولاً، احتمالاً افرادی به سمت ایجاد رابطه با جنس مخالف قدم برمی‌دارند که از هوش هیجانی پایین‌ترین برخوردارند. به عبارت دیگر، ارتباطات با جنس مخالف، ثانویه به مسئله هوش هیجانی پایین شکل می‌گیرد. در این صورت، می‌توان گفت افرادی با هوش هیجانی پایین‌تر؛ یعنی خودشکوفایی کمتر، خوش‌بینی کمتر، عزت نفس پایین‌تر و ... اقدام به ارتباط با جنس مخالف می‌کنند، تا شاید این موضوع بتواند راهی باشد برای افزایش اعتماد به نفس و فرد با پذیرفته‌شدن از سوی جنس مخالف خود را بهتر بپذیرد و یا برای افرادی که توانایی کنترل انگیزه‌های خویش را به راحتی ندارد و توانایی حل مسئله آنها پایین است، می‌توان گفت: ارتباط با جنس مخالف، می‌تواند یکی از راحت‌ترین و در دسترس‌ترین راه‌ها برای فرار مشکلات باشد.

ثانیاً، احتمالاً داشتن رابطه با جنس مخالف، موجب آفت و سیر نزول میزان هوش هیجانی در آنان می‌شود. به عبارت دیگر، ارتباط با جنس مخالف موجب عدم تحریک و احتمالاً آفت هوش هیجانی، بخصوص در دختران می‌شود. در این صورت، می‌توان گفت: افراد با هوش هیجانی مشابه به موضوع دوستی با جنس مخالف با دیدی متفاوت نگاه می‌کنند. برخی آن را راهی برای گذراندن وقت می‌دانند. برخی به خاطر محدودیت در خانواده و یا فضای خاص حاکم بر جو دوستان و همسن و سالان خویش، به این موضوع تنها به عنوان داشتن تجربه دوستی و شناخت جنس مخالف نگاه می‌کنند. برخی آن را راهی برای آشنایی پیش از ازدواج می‌دانند. به هر حال، برخی افراد با خصوصیات مشابه از نظر هوش هیجانی، وارد این حوزه می‌شوند و برخی نیز به دلیل مسایل اعتقادی، وجدان اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و یا افکار شخصی خویش، به این حوزه وارد نمی‌شوند. در این مرحله، ارتباط با جنس مخالف به عنوان یک عامل مخرب عمل می‌کند و برخی از دیدگاه‌ها و صفات شخصی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تفاوت فاحش بین دختران و پسران نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد؛ بدین معنی که این ارتباطات از نظر روحی و روانی، اثر مخربی بر افراد دارای رابطه بالاخص بر دختران رابطه‌دار، که در این

ارتباطات احتمالاً بیشتر فریب می‌خورند، می‌گذرد. برای مثال، هنگامی که دختری با هدف ازدواج وارد یک ارتباط دوستی می‌شود و با پسر ارتباط برقرار می‌کند که هدف وی فقط گذراندن وقت است و یا پیروی کردن از آنچه در جامعه مرسوم است، و پس از مدتی این ارتباط قطع می‌شود، آیا به واقع، خوش‌بینی این دختر به محیط اطراف و دیگران، به شکل قبل باقی می‌ماند؟ آیا به عزت نفس این دختر خدشه‌ای وارد نمی‌شود؟ آیا احساس خوشبختی او به شکل قبل می‌ماند؟ آیا در روابط بعدی، با جنس مخالف، و یا موافق همان انعطاف‌پذیری قبل را نشان می‌دهد؟

افرادی که در این رابطه با این مسایل روبه‌رو شده‌اند، احتمالاً در نگاه آینده خود به اطرافیان بدبین‌تر هستند. احساس خوشبختی و عزت نفس کمتری می‌کنند انعطاف‌پذیری کمتری نشان می‌دهند و... در حالی که، دخترهای بی‌ارتباط از این آسیب‌ها درامانند در نتیجه، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری، عزت نفس و احساس خوشبختی پیشین خود را حفظ می‌کنند. البته این مسئله برای برخی از پسران ارتباط‌دار نیز نسبت به بی‌ارتباط‌ها اتفاق می‌افتد. هرچند میزان مورد سوءاستفاده قرار گرفتن (احساسی و فیزیکی)، دختران در این روابط بیش از پسران است. با وجود اینکه برای تحلیلی نتایج حاصله بین رابطه هوش هیجانی و ارتباط با جنس مخالف، هر دو حالت و زاویه نگاه بالاتر متصور است، ولی زاویه نگاه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ یعنی ارتباط با جنس مخالف، موجب پایین آمدن هوش هیجانی می‌شود و آثار مخرب ارتباط در هوش هیجانی بر دخترها بیش از پسران است. ولی به هر حال، از هر کدام از موارد مزبور، که به این ارتباطات نگاه شود، تأثیر مخرب و سوء آن و تفاوت ویژگی‌های افرادی که این نحوه ارتباطی را پذیرفته‌اند و افرادی که این ارتباطات را قبول ندارند، مشخص و واضح است.

با توجه به اینکه حدود و احکام روابط زن و مرد و رعایت آنها، از مسایل اساسی خانواده مسلمان و ایرانی در زمینه تربیت اخلاقی و دینی فرزندان است،^۸ می‌توان گفت: یکی از جهات عمده تفاوت نظام ارزشی اسلام و غرب، در ملاک‌های ارتباط پسر و دختر، به ویژه پس از سن تکلیف شرعی و بلوغ است که در دستورات دینی، مهم و اساسی می‌باشد. در حالی که، نظام ارزشی غرب آن را بر اساس آراء یا به عبارت بهتر، تمایلات فردی انسان‌ها به شیوه‌ای که شاهد آن هستیم، حل کرده است.^۹ در مقوله دوستی با جنس

مخالف، تورنتون (۱۹۹۰) بیان می‌کند که امروزه نوجوانان زودتر از گذشته قرار گذاشتن را شروع می‌کنند. در سال ۱۹۲۴ دخترها از ۱۶ سالگی قرار گذاشتن را شروع می‌کردند. در حالی که، امروزه این کار را حدوداً از ۱۳ سالگی شروع می‌کنند.^{۱۰} گریندر، انگیزه‌های قرار عشقی را در چهار طبقه تقسیم‌بندی کرد:

۱. ارضای جنسی؛ ۲. اثبات استقلال؛ ۳. جست‌وجوی هویت؛ ۴. اشتیاق مشارکت.
- ارتباط و دوست با جنس مخالف، که در نسل نوجوان و جوان کنونی ایران به فراوان مشاهده می‌شود، ارتباط نزدیکی با مبحث هوش هیجانی دارد؛ زیرا به طور کلی سه مشخصه از توانش‌های ذهنی هوش هیجانی در نوجوانان اهمیت خاصی دارد:
۱. ارزیابی و ابراز هیجان در خود، با دو مؤلفه کلامی و غیرکلامی و همچنین ارزیابی هیجان در دیگران با مؤلفه‌های فرعی ادراک غیرکلامی و همدلی؛
 ۲. تنظیم هیجان در خود و دیگران، که تنظیم هیجان در خود به معنا تجربه فراخلقى، کنترل، ارزیابی و عمل به خلق خویشتن است و تنظیم هیجان در دیگران، یعنی تعامل مؤثر با سایر افراد مانند آرام کردن هیجان‌ات در مانده‌کننده در دیگران.
 ۳. بهره‌برداری از هیجان به معنا استفاده از اطلاعات هیجانی در تفکر، عمل و مسئله‌گشایی^{۱۱} همچنین به نظر می‌رسد، برخورد کارآمد، نقش محوری در هوش هیجانی داشته باشد. برخورد به تلاش‌های شخص در مهار و اداره یک موقعیت، فشارزا و چالش‌برانگیز اطلاق می‌شود.^{۱۲}

پی‌نوشت‌ها

۱. دانیل گل‌من، هوش هیجانی، ص ۵۷.
۲. راحله، سموعی، هنجاریاب آزمون بار-ان، تحقیقات مؤسسه روان تجهیز سینا.
۳. سالووی و دیگران، هوش هیجانی، ترجمه نسربین اکبرزاده، هوش هیجانی (دیدگاه‌های سالووی و دیگران)، ص ۴.
۴. محسن زارع، «سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۲-۳۷.
۵. منظور رابطه‌ای است که در عرف و جامعه دوست دختر یا دوست پسر نامیده می‌شود به شرط این که این ارتباط حداقل مدت ۴ ماه طول کشیده باشد و در حال حاضر هم وجود داشته باشد.
۶. مهناز خسرو جاوید، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، ص ۱۵-۲۰.
۷. معصومه منصوری نصرآباد، «بررسی تأثیر حل مسئله اجتماعی در هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۲۵-۳۰.
۸. علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص ۳.
۹. همان.
۱۰. کاپلان، روان‌شناسی رشد، ص ۴۲۱.
۱۱. دنیا چراغعلی، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هویت یافتگی در دانشجویان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی، ۱۷-۱۹.
۱۲. لازاروس و فولکمن، به نقل از معصومه منصوری نصرآباد، «بررسی تأثیر حل مسئله اجتماعی در هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۲۱-۲۴.



منابع

- احمدی، علی اصغر، *تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران*، چ ششم، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۹.
- اکبرزاده، نسرین، *هوش هیجانی* (دیدگاه‌های سالووی و دیگران)، تهران، فارابی، ۱۳۸۳.
- چراغعلی، دنیا، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هویت یافتگی در دانشجویان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی، تهران، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- خسرو جاوید، مهناز، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی*، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
- زارع، محسن، *مطالعه سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان*، تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی ایران، ۱۳۸۱.
- سموعی، راحله، *هنجاریابی آزمون بار-ان*، تهران، مؤسسه روان تجهیز سینا، ۱۳۸۱.
- کاپلان، پاول اس، *روان‌شناسی رشد* (سفر پرماجرایی کوچک)، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
- کوثری، محمدرضا، «بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ شهر تهران و ارائه راه‌حل‌های مسأله در سال تحصیلی ۷۲-۷۳»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
- گلمن، دانیل، *هوش هیجانی*، ترجمه نسرین پارسا، تهران، رشد، ۱۳۸۰.
- منصوری نصرآباد، معصومه، «بررسی تأثیر حل مسأله اجتماعی در هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.